

## رمانتیسیسم و کاربرد آن در عکاسی

### رومانتیسیسم:

نام جنبش هنری است که در اواخر سده ی هجده و اوایل سده ی نوزدهم میلادی شکل گرفت. و در معنای عام، به دوره هایی اطلاق می شود که کیفیتهای عاطفی و تخیلی در هنر و زندگی مورد تاکید قرار می گیرند. دوره ی اوج این جنبش بین سالهای ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ بود و در اصل انگلستان، زادگاه این شیوه بود. مضمون های شاخص هنر رمانتیک عبارت بودند از : عشق به منظره های بکر طبیعی و امور رمز آمیز غریب در هر هیئت و ظاهری، غم غربت درباره ی دوران گذشته، اشتیاق پرشور به نیروهای لگام گسیخته، تمایل شدید به آزادی و... ( واژه ی رمانتیک در لغت به معنای خیالی، افسانه وار و واهی است) در همین معنا رمانتیسم چون یک روش هنری متضاد با کلاسیسیسم و رئالیسم دانسته می شود. رمانتیسیسم اصطلاحی است که در تاریخ هنرهای نوین نمی توان آن را کنار گذاشت، این اصطلاح را اواخر قرن هجدهم، ابتدا منتقدین آلمانی برای تفکیک خصوصیات هنری "مدرن" از خصوصیات " کلاسیک" به کار بردند. رمانتیسیسم به قدری جلوه ها و نمودهای متنوعی دارد که ذکر یک توصیف واحد برای آن غیر ممکن است. اما موضوع اصلی آن اعتقاد به ارزش تجربه ی شخصی و فردی است، در واقع رمانتیسم واکنشی بود در مقابل خردگرایی عصر روشنگری و نظم سبک کلاسیک.



واژه ی رمانتیک از واژه ی فرانسوی "رمانس" - به معنای داستان تخیلی قرون وسطایی که به زبانهای لاتینی نوشته می شد - مشتق شده است. و در اصطلاح تاریخ هنر و نقد هنری به کاربرد صور به صورت غیر صحیح، نالستوار، غیر منطقی، شخصی و بیانگر در هر اثر هنری اشاره دارد( در نقطه ی مقابل گرایش به صور صریح، استوار، منطقی، غیر شخصی، و دارای تناسب آثار کلاسیک). هنر رمانتیک از اصول و قواعد معین زیبایی صوری پیروی نمی کند، ولی همچون هنر کلاسیک گرا، بیشتر به مفاهیم آرمانی می پردازد تا امور واقعی.

" نمایش هیجان طوفانی و طبیعت سرکش" که از جمله علایق رمانتیسیسم بود، نیاز به شیوه ای "پر از حرکت و رنگ" داشت. و برای متقاعد کردن بیننده، باید نحوه ی ارائه ی اثر تا حد امکان "واقعگرایانه" باشد. رمانتیست ها تمایل به طبیعت گرایی و واقعگرایی داشتند، نمونه از این واقعگرایی در پیکره ی یکی از شخصیت های داستان "سه تفنگدار" اثر دوما که توسط "گوستاو کوربه" (gustavecourbet) نقاش و پیکره ساز فرانسوی) ساخته شده بود را می توان مشاهده کرد.



رمانتیسم، بیشتر گرایش ذهنی ارائه می دهد تا مجموعه ای از روش های سبک شناسانه و بیشتر با بیان ایده ای مرتبط است که منشاء در قالب سخن دارد تا قالب بصری. به همین دلیل رمانتیسم خود را با سهولت بیشتری در موسیقی و ادبیات بیان می کند تا هنرهای بصری. زیرا مفهوم لایتناهی و تعالی، مفهوم نیروهایی که فراتر از مرزهای خرد می روند، ضرورتا باید مبهم باشند، یعنی بیشتر مصادق ذهنی داشته باشند تا محسوس به آن صورت که در نقاشی و مجسمه سازی مشهود است. گرچه هیچ سبک و مکتب رمانتیکی در معماری وجود ندارد، اما احیا مجدد سبک گوتیک، بویژه در مراحل آغازین آن جنبه ای از رمانتیسم محسوب می شود. نقاشی در قرن نوزدهم شدیدا از روح رمانتیسیسم تاثیر پذیرفته بود، در آغاز سبک جدید "فرانسیسکو گویا" نقاش بزرگ اسپانیایی را می بینیم با تابلوی معروفش " سوم ماه مه" (The Third of May) که به قول خودش، سه استاد داشت: ولاسکوئز، رامبراند و طبیعت! ( گویا یک شخصیت انتقالی است که در هیچ رده ی معینی طبقه بندی نمی شود و چند گرایش هنری را به هم ربط می

## رمانتیسیسم و کاربرد آن در عکاسی

دهد) نمونه ای از اغراق های احساسی را در تابلوی " سوم ماه مه " می بینیم. در این تابلو، گویا برای نمایش عناد، نفرت و وحشت، حالتها و حرکات پیکرها را به نحو شگفت آوری اغراق آمیز کرده است.



### رمانتیسم در سینما و عکاسی

این سبک در سینما و عکاسی با تمام ویژگی های ذکر شده در ادبیات و نقاشی نمود پیدا کرد، البته هیچگاه مانند ادبیات یا موسیقی یا مانند امپرسیونیسم، به صورت سبک جداگانه ای تجلی نیافت زیرا جنبه های احساسی در داخل فیلمنامه های رمانتیک از ادبیات وام گرفت و فیلمهایی که بر اساس رمانهای ادبی این سبک ساخته شده اند به طور کلی جزء دسته ی رمانتیک در سینما جای می گیرند. فیلمهایی با مضمون "عشق و احساس و تخیلات احساسی" همه در دسته ی رمانتیک ها جای می گیرند. همچنین نمود این سبک در عکاسی که به تمامی ویژگی های سبک رمانتیک وفادار مانده، ثبت لحظات عاشقانه، احساسی و لطافت گرایی با نورپردازی های طبیعی و ملایم، به طوری که القاء حس درونی و عاشقانه برای مخاطب باشد، در فریم های عکاسان رمانتیک تجلی یافت. حتی ثبت لحظات عاطفی برگرفته از طبیعت (عکسهایی از غروب خورشید و ماه ، امواج دریا و...) جزء عکسهای رمانتیک طبقه بندی می شوند.

